

متن پرسش

سرِ دار از جمارانش مگر سر بود؟ حتما نه خمینی جرمش از حلاج کمتر بود؟ حتما نه دعوی حلاج شخصی بود و انا الحق می‌گفت! دعوی خمینی (ره) جهانی بود و ماورای جهانی و نحن الحق می‌گفت! انگار خون به ناحق ریخته شده‌ی حلاج با شدت بیشتری به تاریخ برگشت که «من جاء بالحسنه فله عشر امثالها». خمینی (ره) یک رهبر سیاسی-اجتماعی نبود! او روح الله بود که با نفخه رحمانی‌اش در کالبد بی‌جان ایران و جهان دمید و اسلامی‌اش کرد. حلاج می‌گفت بکشید مرا تا بیدار شوم اما خمینی (ره) هر لحظه می‌گوید: بکشید ما را ملت ما بیدارتر می‌شود. خمینی (ره) پرچمدار نهضتی است که فجر صادق نهضت جهانی مهدی امتهاست. و اکنون ماییم و انتخاب تاریخی‌مان که خمینی (ره) را برگزینیم یا غرب وحشی را، یک سو مکتب شهادت و یک سو مکتب فضاخت! انتخاب با ماست، هرچه بودیم و هستیم را کنار بگذاریم و پس‌فردایی شویم که «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم»، با همت و اراده‌ای که مثل آن را تاریخ به خود ندیده است. فردا را با اراده‌ای الهی با هم خواهیم ساخت و بهتر است بگوییم خدا می‌سازد که قدر الرجل علی قدر همته. من به خال لب، ای دوست! گرفتار شدم / چشم بیمار تو را دیدم و بیمار شدم / فارغ از خود شدم و کوسِ اناالحق بزدم / همچو منصور خریدار سر دار شدم. انقلاب اسلامی خمینی (ره) فریاد نحن الحقی خداوند است در تاریخ ما؛ پس بیایید قدرش را بدانیم. اصلح_جلیلی

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: راستی! چه رمزی در آن بیت از غزل حضرت روح الله نهفته بود که فرمود: «فارغ از خود شدم و کوسِ اناالحق بزدم / همچو منصور خریدار سر دار شدم.»؟ جز آن است که او از خود فانی و به حق باقی شد تا حکایت تاریخ آینده‌ای باشد که آن تاریخ، بستر تولد و ظهور فرزندان است همچون شهید حاج قاسم سلیمانی و شهید سید ابراهیم رئیسی. و عظمت کار در این جاست که هرکس در این تاریخ حاضر نباشد اگر چندین و چند خطبه از نهج البلاغه بخواند و یا لباس روحانیت به تن داشته باشد؛ از آنجایی که خود را بیرون از تاریخ حضرت روح الله احساس می‌کند، چه اندازه با کلمات دشمن شادکن آینده را برای خود سیاه می‌یابد و در بلای بی تاریخی چه اندازه حیران و پریشان است. موفق باشید